

فصل : فعلا التعجب فعلان وُضِعَا لِانْشاءِ التعجب و هما ما افعله و افعال به و لا یبینان الا مما یبنی منه اسمُ التفضیل و یتوصل الی الفاقدِ بِأشَد(۱) و اشدد به و لا یتصَّرَف فیهِما و ما مبتدأ اتفاقاً(۲)(حال) و هل هی(=ما) بمعنی شیء و ما بعدها خبرها او موصوله و ما بعدها صلتها و الخبر محذوف خلاف و ما بعد الباء فاعل عند سببویه و هی زایده و مفعول عند الاخفش و هی للتعدیه او زائده.

(۱) ما اشدُّ موتَهُ او اشدُّ بموتِهِ

(۲) یعنی هر دو قول قائل به همین هستند.

دو فعل تعجب:

دو فعل زیر هستند که برای انشاء تعجب به کار میروند.

۱. اَفْعِلْ به

■ احسن بزید

۲. ما افعَله

■ ما احسن زیداً

تمام شروطی که در افعال تفضیل بیان شد، همگی در این دو صیغه تعجب نیز وجود دارد. منظور همان شرایطی ۵ گانه ایست که مطرح شد و در صرف دقیقتر و بیشتر یعنی ۸ مورد بیان شد.

دو صیغه مذکور، غیرمتصرف هستند.

نحوه ترکیب دو فعل تعجب:

۱. ما افعله:

دو قول وجود دارد:

(۱) سببویه: ما به معنای شیء است (نکره تامه) و نقش اش مبتداست و مابعدش خبر است.

(۲) اخفش: ما موصوله است (معرفه ناقصه) زیرا محتاج صله است)) که مابعدش صله است. نقش ما نیز، مبتداست و خبرش نمیتواند صله مابعد باشد زیرا گفتیم:

خبر، صفت، صله و حال قابل جمع نیستند!!!

بنابراین خبرش محذوف است و تقدیر جمله این است :

■ ما احسن زیداً : الذی أحسن زیداً [شیءٌ عجیب] =خبر

ترجمه ما احسن زید این است که چه نیکوست زیداً! حال این ترجمه چه ارتباطی با تقدیرها و نقش هایی که در بالا گفته شد دارد؟ زیرا مثلاً ترجمه شیءٌ احسن زیداً حالت خبری دارد و به این معناست شیءٌ ای زید را نیکو گردانیده است، میبینیم که خبری است!!!

این ترکیب ها به حسب اصل است که خبری بوده است و ارتباطی به حالت فعلی که انشائی شده است ندارد.

بعضی از اسلوب ها از ابتدا و همواره انشائی هستند مانند امر، نهی و ... اما بعضی از اسلوب ها هستند که در اصل وضع خود انشائی هستند بلکه خبری هستند و به انشاء نقل یافته است و انشائی و خبری بودنشان وابسته به قصد متکلم است. ماجرای ما احسنه هم همین است و آنچه معنا میکنیم ترجمه حالت انشائی آن است اما ترکیب ها بر اساس حالت اصلی که خبری بوده است میباشد. بنابراین همان شیءٌ احسن زیداً را هم میتوان با قصد انشائی بیان کنیم و با بیان تعجب بگوییم شیءٌ ای زید را نیکو گردانیده است.

۲. افعال به:

■ افعال بزید

دو قول وجود دارد:

(۱) باء زائده است و ما بعد باء فاعل افعال است. (مانند بائی که در کفی بالله است) افعال قبل از اینکه نقل به تعجب کرده باشد امر به صیغه است و فاعل هیچ گاه نمیتواند اسم ظاهر باشد. این قول به علت برخورد به این قاعده صرفی گفته اند که باء زائده است و به همین علت مجرور به حرف جرّ زائده نقش میگیرد، و این یک قاعده است، و در این جا زید فاعل است با اینکه مجرور است. البته نحوین میگویند که استثناء این قاعده که فاعل امر به صیغه نمیتواند اسم ظاهر باشد فقط در این مورد و استعمال میتواند با واسطه حرف باء زائده بر سرش آمده باشد.

(۲) باء یا زائده است یا تعدیه و مابعدش مفعول به است.

معنای قبل از انشاء تعجب این است: باید نیکو شود زیداً! که بعداً میشود چه نیکوست زید.